223

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

رام گیتا

ست چدانندم

حمد ذات واحدی که به بیقدرت مبرائی هر دو نتیجه جوهر عقل را که مقولات عشره در معرض تعبیر
ازان عرض کرده اند بر هم تافت تا بر حرف منزهی او باضافت انگشت چونی و چندگی نتواند نهاد
و چگونه تواند نهاد گفت و چه سان بر گذارد که چنین پیک سبک رو خرد که بعلو خرام
و جلدکامی قدم بر هفتم فلک میگذاشت و در پیش برائی و پیشروی دیگر سپاه بر خود سبقت
معرفت بجهتی که اول ما خلق الله تعالی العقل واقع است به اثبات دعوی خود بفخر و
کرامت بری جست در سبیل این مرحله ناپدید و منزل نا تحقیق معرفت به لنگی و کم پائی
خود لیده بعجز و تذلل از پا فرو نشست و اگر توسل دلیل به تمثیل سالک طریق تعریف
و توصیف صفت آن حضرت عزت که هر چه هست اوست و هر چه گفته اند ازان کم
کرده و از خود یا کسی که در ادراک آفتاب عالمتاب باعانت نور شمع طمع افگنده باشد
هیچ فرق نیابد و همچنین هر چند پختگی هوس و خامی طبع بران میداشت که برعایت رسمیات
ورثنامی و اطرای صافی ضمیران معنی بخش و کارآگاهان صورت نواز که اثر اوست
و در هر دوری از ادوار بمقتضای حکمت کنت کنزاً مخفیاً از پس پرده بهوا رسی
و یک لختی بسر گروهی هر گروه سر بر کرده نشیب و فراز عقاید و افعال عالمیان را نگاه
و قناوی داده بحسب فراغ کمال خود را بجال دیگران با مثال مثال کما بالکم تمودون علم
مرادق لم نیله و مقام اصلی شده و میشود و خواهد شد چنانچه قول بزرگی مصداق

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

همینست ۵ هر یکی را بهر کاری ساختند ❊ مهر آن اندر دلش افراختند ❊ طرفه نه
بدل جهد در زبان فروشی و طبع آزمائی بر بندد و از انجا که در چنین تالیفات بر سخف اندیشه
ذهن تالف خود وقوف حاصل داشت و نیز شیوهٔ نامرادی این نیازمند بی نیازی و پای بند
وآزردگی رابران رخصت نداد که خود را مرهون شهرت و ممنون فضیلت دارد لهذا طویل
کلام و سائر ادیگران و تصدیع خود راضی نبوده درینجا انچه بالبیت گفت بقدر امکان
تفکر ناگفته طور گفته بس کرد و باخود در افتاد که ای هیچدان محض این چه غوغائی ست
برانگیخته و این چه خارست که در دامن خود آویخته ازین قافیه سنجی و نکته آرائی بجز
جگر کاوی و دیده ترادی سودی بیش نه چرا که اینهمه از آثار بر خودبینی ست یا در خویشتن
نگرینی گل جمعیت از ریاض مطلق نخچینی یعنی تا ازین دو تای پاک نه برای خلعت یکتائی ر
نیستائی و در تحصیل این سرور دائمی نمیکوشیم که بدست ترک بروی خلق که در معنی صورت
خالق ست در عزلت بر بند یا به پای تجرد راه صحرا سر کن و یا بر سیافت پوست بنیان همخیز
و در آرزوهای شواغل غضبی و شهوی مدت عمر گرانمایه بباد ده یا با بنیان جهان در آویز که یکی از
ایشان باشی میگویم که در هر کثرت چاشنی گیر نشاء وحدت بوده قطع نظر از بیگانه روی و
بیگانه خوئی نموده تماشای این باغ کهنهٔ نوخیز و تختهٔ گلزار همیشه بهار یکرنگ بینی و یکسان
بوی بسر میبرد و اگر بقدر جهل وحیرت که بر نوع انسان نامسموع ست چرا که فاعل مختار و قیم
آمده و دشواری این طریقه التماس داری پس از قصور صدق و وفور بوالهوسی خود را
از عملی بعملی تحویل مکن یعنی اگر میل با نفراد داری ملک خدا وسیع ست و اگر قصد عبادت داری
معبود موجود و اگر سر عشق داری معشوق در نظر و اگر جذبهٔ وحدت داری از خود بگذر
به تقدیری که تا توئی دوئی باقیست چنانچه بزرگی میفرماید ❊ تو در و گم شو وصال
اینست و بس ❊ تو مباش اصلا کمال اینست و بس ❊ هان هرچه گفته اند بحفظ گیر و
در عمل آر به نسیان مده و بیاد مشار که از تمکن نیکی ازین چهار بر هر چهار

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

بمرور و سهولیت ظفر توان یافت و اگر بدین کلمات که واعظ خرد خود بوده بدین نمط واعظ بکمتر
الفاظی و مختصر مضمونی بطریقهٔ اجمال دیباچه گویان چون بهشتی آب بر روی زمین بنیان و تشریح
پاشیده غبار شکوک را که از هیجان تندباد خواطر و اوهام لاطائل که از روزگار و از هوای باطن
را بجای تیره ساخته که خود را از خود باز نمیتواند شناخت فرو نشیند انشاء الله العزیز بمیان
مطالعه و ادراک معانی این رساله از سیل در سیل باران فیض اقوال و آرای اسلاف که در میان
تحقیق حقائق کونی و آلهی و مدرکان دقیق ارضی و سماوی خداوندان خداوان غوطه خوامان
بحر بیکران بوده گاه بتجرد و خواصی به بحر بیخودی فرو رفته با انبساط وصول در کشون خدا رسی دم
انا الحق بر میزدند چنانچه گفته اند ع قطرهٔ چون غریق دریا شد * او انا البحر گفته پیدا شد
و گاه بانتظام مهام معاش و معاد انام بتقریر نصایح و تدابیر و کان جوهر فروشی میکوشیدند
ع هان کمر بر بند اندر کار چیست * بر نیارد هیچ کاری مرد سست * هر که او در کار ظاهر
کاهل ست * کار باطن کی شود از وی درست * درین صورت ظلمت گرد حسرت که از
تخته زمین جهل برخاسته وسعت عالم معنی را از مدت مدید تنگ ساخته و بر گرفته ست پاک
خواهد نشست و چون باقصای این درجه که کمال مرتبهٔ انسانی ست خواهد پیوست البته
باستفسار احوال ظاهر و حقیقت باطن خود از خود توجه را خواهی گماشت که این بندگزار آزادگی
و قید سوز نجات کیست و کجاست و بچه اسم موسوم است و بکدام صفت موصوف
پس بالتماس همین رباعی در جواب سوال خود که بر اظهار کیفیت پنهان و آشکارا وافی
و کافی ست بس شده مودی مدعا بذات خود خواهی بود ع از خویش چو با خویش
شدم میدانم * کز لبس اضافات سخن عریانم * چون بی همه ام با همه بیخود یکم
بی والی و با والی بجوانی آنم * اتفاق ترجمهٔ این رسالهٔ شلوک‌ها که موسوم است
به رام گیتا از زبان هند بزبان فرس نه آن باشد که خود را در مؤلفان پروانه و یاد در
مورخان بشمارد بلکه آنست که نسبتی در دل شب که خاصهٔ وقت و تلطیف قالب تخفیف طلب بود

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

رام ست خالی از ... دور همین رهگذر بپای پیشانی سرزانو می شود و دیدکه این طائر نوگرفتار با آنکه
بی آرامی هم نیست چرا بر پای این بندی باید نهاد که تا دیگر از طپیدن باز آمده سر در بغل باشد
لامحاله بدهال اشغال تصنیف این کلمه چند از زبانی بزبانی و مقابل کذاشتن اصطلاحات
هندبافرس پابجا داشته صید معانی و مضامین تازه در چنگال آمال او باز گذاشت و چشم
غرض بران دوخت مادامی که سر در بازوی جمعیت داشته باشد و از و چون برآرد بهوای
هر نخچیر هوای ناشکیبائی نپردازد و آن کلمات اینست که روزی از تعطف و تلطف با اهلیه
خود که پاربتی باشد بزبان تلقین و ارشاد آغاز قصه نهاد که ای پرستار هوشمند در زمان
پیشین سری رامچندر که خداوند صورت و معنی و پادشاه ظاهر و باطن بود با لچهمن برادر خود در
جنگلی اعظم که بانبوه اشجار و کثرت انهار و خوبی گلهای الوان و سبزه های فراوان بلا مزاحمت
دد و دام و زبان که بر روی زمین یاد از خلد برین میداد به کمال شگفتگی دران مقام آرام نشسته
خلوتی که خالی از خلل بیگانه باشد داشت و سخن از خود شناسی و خدارسی درمیان بود در
اثنا لچهمن از فرط شوق جبین نیاز بر زمین عبودیت گذاشت و پس از حصول شرف
پابوس و گزارش سجدات و عجز هر دو دست بسته به قیام بندگی قائم شده عرض کرد که ای قبله
مراد و ناصر اوان میخواهم که حقیقت الکائنات موکت یعنی سعادت مطلق با سرور مدام و وحدت
صرف با حلاوت آرام که آزادی و وارستگی عبارت از انست و طریقه دریافت آن لیت
عظمی و نعمت بی زوال از زبان پاک بیان بشنوم و همگی التماس ما بران مقصور است که
بعبارتی موزون و مختصر و قریب الفهم باشد که بآسانی بمغز مدعا و کنه سخن توانم رسید
و همچنین در تحت آن سعادت فضیلت چهارگانه که یکی از ان بیراگ یعنی ترک تعلقات
دنیوی و دوم بهگت یعنی عبادت بی طلب اجر و انتظار عوض و سوم گیان
یعنی معرفت حقائق چهارم بگیان یعنی حالت که نتیجه آن معرفت مندرج باشد
و برای شرح و تفسیر چنین مطلب عالی در عرصه سه عالم که بالا و میانه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

و پاینده باشد مانند ذات قدیمی صفات دیگری موجود و متصور نیست سری رام چند که بحر مراحم
بی‌پایان و دریای الطاف بیکران بود از اصغای سوال انکسار لچهمن از سر ترحم و تفقد
موج زدن گرفت یعنی بسخن در آمده در جواب آن گفت که ای فرزند عزیز بشنو که بر تو راز
غامض و حقیقی دقیق از زبان بیزبانی که گویا بهر زبان ست گفته می‌آید و آن چگونه
راز لیست که از استماع و ادراک آن آدمی در طرفة العین از قید دام مایا یعنی پندار ما
و منی عالم کثرت که صفت ذات واحد ماست و بیش از وهم و اعتبار نیست خلاص گردد
اول ماهیت مایا یعنی کثرت و صفت میگوییم که چه چیز ست و علت وقوع او چیست
بعد از ان سلوک حصول گیان یعنی معرفت و بگیان یعنی حالتی که از ان معرفت بهم رسد
بیان میکنیم بعد از ان حقیقت پرماتما یعنی ذات واحد واجب الوجود به شرح میدهیم
که از دانستن آن نفس را که گرفتار دام تعلقات عالم ست در لمح البصر خلاص حاصل آید
اول حقیقت مایا یعنی کثرت در معرض بیان می‌افتد که هر چه از جسم عنصری خود تا جسم
سفلی و علوی مرکب و بسیط که بظاهر می‌بینی و میدانی وهم محض و دروغ مطلق
ست و باید دانست که از خود نیست اعتقاد صدق و اعتبار راستی در چیزهای
که بر شمردیم و دانستن آن که از خود هست چیزی که ثابت و قائم ست همین مایا یعنی
صنعت و کثرت ست و مصدر آن پندار مائی و منی ست که جمله جانداران این
عالم در قید آن پندار مقید اند و ذات واحد ما ابتدائی و قدیم ست
ای خلف سعادت کیش اکنون عظمت و جلال ذات و صفات ما را بگوش هوش
سامع باش که هرگاه عالم محسوس را در پس پردهٔ عدم کشیده و مکتوم و معدوم میکنیم
تا انفراد ذات خود در سرادقات لم یزلی خود بخود میباشیم و هیچ نمیکنیم و نمی‌شنویم
و نمی‌بینیم علی هذا القیاس این همه صفات را بکلی باز گذاشته و قدرت خود را مطلق
ساخته گردیم که در کلپ از هر چه گفته و شنیده و فهمیده و شود شده و میرسیم و بعد از

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

گذشتن اینهمه کرور کرور کلپ که ما را در چنین آرام و بی جنبشے میگذرد باز از من یک گونه خواہشے
بے انتظار عوض تکلف فعل بوجود می آید که چیزی شوم بمقتضای اینمعنی که ایکو ہا کصو سیام یعنی
یکی ام بسیار شوم از ہمین قدر خواہش ما اول آنچه پیدا میشود مایا یعنی قدرت با صفت کثرت
بلکه ہمین خواہش ما از عین محویت سر بر کرده مایا نام یافته از اقلیم نیستی بسر حد ملک ہستی
رخت میکشد و برہمانڈ که عبارت از ہر سه عالم یعنی بالا و میانه و پائین باشد پیدا میکند
و ہمچنین برہما و غیر آن که جسمش مشروط بعناصر پنجگانه که خاک و آب و آتش و باد و ہوا
باشد ما از پشه با پیل یعنی از خرد و بزرگ موجود میگردانند و جوہر علم میداد و عقل و جان جملگی
جانداران است بظلمت غفلت باز میپوشد و ہمان مایا غفلت مطلق شده کثرت صریح را
بصدق صحیح باز نموده عالم کثرت را با انواع نفع و نقصان و دوستی و دشمنی رنج و راحت
نیکی و بدی خوبی و زشتی بعرصهٔ ظهور جلوه میدهد و ما آنچنانچه که صفا و بقا و صاف و صرف
معرا ایم بر یک منوال بلا مزاحمت و مشقت عمل و فعل منبطی که بودم و ہستم و خواہم بود
میباشیم چون حقائق مبدا و معاد معلوم کردی حالا کیفیت عالم کثرت باز گفته مے آید
که عالم کثرت بریسمانی میماند که آنرا کسی از توہم مار سیاه مہره دار تخیل کرده بخوف موصوف
گردد یا آنکه بنظر دقیق و فکر تحقیق در نیابد که ریسمان است گرفتار انواع آتش اقسام
ہراس است ہرگاه بحقیقت ریسمان باز رسید از خوف مار خلاص گردید پس ہمبرین نہج
باید که بدانی که ہر چه درین عالم محسوس می بینی و می شنوی و میکنی در سر انجام امور آن
اضطرار بکار میداری چه بآلات جسم ظاہر و چه بفکر خواطر باطن ہمه خواب و خیال است
چرا که در خواب حالت بیداری را بتمامی از یاد داده منجمله امور خواب مذکوره ہیچ کاری نیست
که با عتقاد صدق و ثبات میکنی و چون بیدار میشوی اثری از آن موجود نمی یابی و دیگر وجود
اینها آنکه جمہور علماء اخروان حق پژوه بعالم صغیر تعبیر کرده اند ہمچو درختی قرار داده اند که
بیخ او در زمین او من محکم شده و به آب اندما و یا من نشو و نما یافته چنانچه برد رخت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

از خوف تندباد که از جا نبرد بر بسیان استواری می‌بندند وجود انسان را زن و فرزند علائق و عوائق
اسم و رسم بمثابهٔ ریسمانست که با آنها سخت بسته شده و صحبت محققان تجرد گزین و حصول حضور
عارفان وحدت آئین بمنزلهٔ باد تند که از اثر ملازمت ایشان بر فسیخ تعلقات دنیا
و ما فیها و قوت یافته خود را یکباره سبکسار شده یا درین جماعه دل بر داشته بے علاقه
طور میگذراند الحال حقیقت بدن انسان که از چند چیز ترکیب یافته مصدر افعال خیر
و شر گردیده بتقریری روشن بر تو واضح کرده مے آید که تا بر ماهیت آن مشروحاً
و مفصلاً مطلع گشته خود را بخلاف آن که بدل تصور کرده چیزے علیحده از ان تعقل کنی بدانکه
هر چه بعیان مشاهده می افتد مفهوم بدن پنج مهابهوت یعنی عناصر پنجگانه که خاک و آب و آتش
و باد و هوا باشد و همچنین پنج دیه انس یعنی اجزاے بدن که در بدن پوست خاک و خون
و حرارت گرمی جز آتش که آنرا آتش غریزیے می نامند و دم آمد و شد بالا و پائین
جز باد و جوف جز پنج تن ماترا که عبارت محسوس خمسه بود طبیعت و ادراک آن تعلق بجواس
خمسه دارد یعنی آواز و لمس و صورت و مزه و بوی و پنج گیان اندری که آلات تحریک
و فعل خمسه ست یعنی زبان و دست و پاے و آلت و مقعد و ازین جمله زبان بد و
قوت موصوف ست که هم در فرق کردن مطعومات یعنی قوت ذائقه متمیز ست و هم
بفعل گویائی مخصوص و هم چنین ست نیز مصدر دو قوت ست که هم کار و جماع از و
بر مے آید که بشتیر قوت لمس باشد و هم بفعل بول کردن موسوم هر چند جرم هیچ عضو
از اعضا از کف تا پا مارک سر خالی از اثر لمس که ادراک کیفیت چهارگانه یعنی سرد و گرم
سخت و نرم باشد نیست فاما آلت به فضل اغیخنی ممتاز ست و شرح افعال و تصرفات
دیگر آلات به بیانی زائد محتاج نیست و آنکه در اظهار آن بدل جهد رود خود بخود ظاهر
و ظاهر تر ست پنج پران یعنی باد که بر پنج قسم منقسم گردیده هر قسمے بیک اسمے
موسوم شده در موضع خویش بشغلے علیحده مشغول ست اول بیان از سر تا پا

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

در تمام بدن و همگی رگ و ریشه مملو است و عمل اوست که به قسمت غذا اندر هر اعضا میکشد
دوم سمان که در مقام ناف و جمیع گره‌هاے اعضای را به فعل خاص خود حرکت میدهد
سوم اودان که در موضع حلقوم میباشد و عمل واقع که در خواب چیزها دیده و نادیده
باز مینماید چهارم پران که بودن او در بینی است و سره و جزع و عطش از عمل اوست
پنجم اپان که در محل کمر میباشد همین مائل و جاری و شغل است در دفع فضلات از عمل او
و بده و اهنکار یعنی خرد و خودی با چیزهای صدر که بر شمرده‌ام یعنی پنج مهابهوت که عناصر
پنجگانه باشد و پنج دیه‌الیس که پنج اجناس بدن عبارت از آن میکنند و پنج تن ماترا
که محسوسات حواس خمسه بود و پنج گیان اندری که حواس خمسه تعبیر از آن کرده اند پنج کرم
اندری که آلات تحریک خمسه آن را گویند و پنج پران یعنی باد که به پنج قسم منقسم گردیده
همگی در اعداد او سی و دو باشد یعنی و سوم من است که نفس عبارت از آنست
متحرک و منبع جمیع قواسے و اجزای و اعضاء اوست و این همه استفاد قوت و
قدرت از او کرده هر یک به فعل خاص خویش قوی و قادر میشوند و در حقیقت
نفس و غیرهم که در صدر تعدید یافته از مایا یعنی صفت کثرت بوجود آمده اند
چرا که هر چه در موجودات از محسوس و مفهوم موجود است علت وجود آن مایا است
و بدن انسان که مجمع سی و سه قوت که بالا بر شمرده‌ام گردیده دو نام دارد یکی کهیتر دوم دیه
کهیتر یعنی قطع زمینی که هر چه از تخم افعال خیر و شر در و بکارند بار آرد و دیه یعنی چیزی
خالان یک چیز میباشد که این بدن و آن بدن هنوز یکسان مراد یک چیز از چیزهای ناکل و نشاید
و ملابس هنا کج نمیرسد که مستدعی چیز دیگر میباشد و از این حالت ده بده دیه نام یافته و آنکه
خود را در وی محبوس پنداشته بود و متصرف است جیو یعنی علیم مقید که ظلمت و غفلت خود را
خود فراموش کرده باعتبار خودی موهومی که خود بدن عنصری ام با نواع رنج و راحت
مبتلا بوده زندانی طور میگذراند و آنکه بپرماتما یعنی علیم مطلق و بحت محض ام از این چیزها که

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

فارغ و منزه و مبرا ام که کمند اندیشه هیچ کس را بر فراز کاخ عظمت ما راه نیست اکنون بسلوکی
که جیو یعنی علیم مقید را بر اطلاق علم با معرفتی حاصل آید طریقهٔ اکتساب آن معرفت به نمطی واضح
بر تو منکشف و مبین میگردانم که طالب معرفت را اصل انچه درین باب به امور تفکر و اعتقاد
صمیم القلب مقدم باید داشت انیست که در جیو و بهگوان یعنی عبد و معبود در هیچ وقت نشاء حالت
بوسیلهٔ دلائل موهومه حکم مساوات نکرده بجهت تحصیل لذات مجازی که دانایان راز بادر شمرت
شاستر یعنی شرع و حکمت بران رخصت نداده باشند صرف رویت در تذکر و تحفظ اقوال مباح
آن بکار نداشته و عنان عبودیت را از طریقهٔ عبادت بر نتافته پیوسته به عقیدهٔ واثق معتقد
بران باید بود که خالق خالق است و مخلوق مخلوق و کدام دلیلی واضح تر ازین برین مطلوب
خواهد بود که مخلوق در عموم اوقات چه در حالت بیداری و چه در خواب به تصور منودات
ناپائیدار عمر گرانمایه بباد میدهد و هیچ یکی ازان قطع مراحل قوه نموده بسر منزل فعل نمیرساند
و از نیایت خواهش خالق بیک چشم زدن بلکه کمتر ازان هزاران هزار خلائق پیدا و نهان
که زبان مفسران در بیان آن عاجز و قاصر است ایجاد یافته پس همین قیاس فرقی
در خالق و مخلوق و ریاضت پسندیده بنیه داده در عبادت معبود مطلق فرسوده
گرداند و همگی همت را در ترک تعلقات فانی مصروف داشته هر روز به ترک
تاثب کرده به یقینی راسخ طریقه که درمیان عبد و معبود است بنحوی که در صدر
تقریر افتاده مسلوک دارد کسب اولی در تحصیل گیان یعنی معرفت انیست و دیگر آنکه
بازالت پندار بدن عنصری و اضافات آن از قسم ثمل و فعل و سروت و مکنت و غیر آن
مشغول بوده خود را به سبیل ذلت و کسر نفسی بهیچ نشمارد و در میزان امانت بهیچ کس
برابر ننهد و همچنین شفقت سه گانه را شعار خود نموده آزرده خاطر ندارد و سوم
بدست و پای و دیگر اعضاء هیچ اشتهاد ره حکم یعنی ساکن و متحرک که عبارت
از نبات و حیوان باشد بوجهی من الوجوه برنخ باند و خود نیز در مقام تحمل پا

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

برجا بوده آرند گفته و بد کرده هیچکس در غضب نیاید و رنجیده خاطر نشود و به انتقام
آن نکوشد و در همه جا و با همه کس راست و درست بوده آنچه مقرون بصدق
و نفس الامر باشد. باز گوید بقول و فعل در ستایش و پرستش محققان خدا پرست
بدل جهد بکار برد و زیاده از آنچه که در تقریر و تحریر و در تعقل و تصور آید با ذات
ظاهر و به حضور باطن در حضرت تعظیم و تمجید مرشد کامل که بوسیلهٔ ارشاد ان سر وقت
سمرت و شاستر یعنی شرع و حکمت بحصول گیان و بگیان یعنی معرفت و حالت که
دولت دائمی و لذت حقیقی ست مظفر و متمتع توان شد خود را دریغ ندارد و در تقدیم
کوششے بصفائی وجود ظاهر از جل و مرتکا یعنی آب و گل خویشتن را معطل نگذارد و
از مواظبت و تفکر و تذکر ذات و صفات حضرت مبدا ر باطن را پاک دارد و همچنین در
جملگی اعمال صوالح و افعال جمیله مستقل بوده قصور و فتور را بدان راه ندهد و در دوران
ذکر معبود تعالے نفس را بخواطر موهومه مضطرب و پراگنده نگرداند در ضبط و سیاست
نفس از اوهام دینه سعی بلیغ بتقدیم رساند و بدن عنصری را که همیشه دوستدار آسایش
و مائل الشهوات ست بخلاف ضرورت که بدلائل شرعی و عقلی جائز نبوده باشد بر مباح آن
عنان اختیار بدست او نه سپارد و باشتغال آداب ستوده یک چیزی از چیزهای ناپایدار در عادی
از عادات مذموم در نجات و خلاص خود میکوشیده باشد بتدریجے که امروز از این چیز
در گذشته روز دیگر در پی گذاشتن چیز دیگر باشد و همچنین در ازاله بر عادت آهستگی
قصد محمود مبذول دارد و نفجریت خود را بر دیگران سترے ننهد و در شهرت و کرامت
خود نکوشد و بتسخیر و استخدام مردمان مشغول نگردد و در الفت زن و فرزندان همین قبیل
باز نماند و هیچکس را بدوستی و دشمنی نگیرد و با همه کس یکسان بینی را پیش گیرد چرا که
بحکم وحدت صرف در هر چه موجود ست واجب الوجود موجود ست دوئی و دو رنگی
ادراک یکتائی و یگانگی او هیچ طریق مجاز و هیچ خلل نیست چه بظاهر

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

که صورت جانیه در روی تصرف یک صورت است و چه باطن که هیچ صورتی خالی از آن معنی وحدتیست از یکجا
که صورت بر معنی است و معنی در صورت بر مثالی که پوست از مغز است و مغز در پوست و پیدا از وی لی
بیش از اعتبار وهمی که مقصد از آن رج گن و تم گن یعنی قوت ملکی و قوت سبعی باشد نمیتواند بود همین
سبب را است که سالک این سلوک را با هر کس است طریقهٔ یگانگی مسلوک باید داشت و خود
از صحبت کسانی که بحلیهٔ این سیرت متحلی نباشد نجوی که سبب آزردگی آنجماعه در میان نباشد بطرفی
افگنده در مقام پاک و خلوتی که خالی از خلل باشد سکونت گیرد اگر چه چنین کسی که تم گن یعنی قوت
ملکی که از غلبه رج گن و ست گن یعنی قوت بهیمی و قوت سبعی مغلوب شده باشد لبریز کند لامحاله
حالت شوق او بتمامیت از تحصیل موکت که سعادت و وارستگی از انست سلب گردد
پس انسب آنکه از مجالست و محافظت چنین مردمانی که بارتکاب افعال شنیعه که وصدور
محصور گشته موصوف و برذائل دیگر که احتراز از آن واجب است موسوم باشند محترز و
مجتنب بوده در خلوت محض نشسته بتصور ذات بحید که بشش جهت لا محدود است ادا
نماید و در معرفت آن مستعد باشد و بجهت حفظ این مراتب و اشغال ظاهر مثل بید انت شاستر
که انتهای علم بران مقصور است و همچنین بهاگوت و گیتا و غیر آن که در کتب تصوف معتبر باشد
در مطالعه داشته باشد که تکرار و تذکار این شغل سبب ترقی و تحصیل گیان یعنی معرفت
خواهد بود و انیست تمامی مکاسب حصول معرفت که در صدد تشریح نفاد هر که در بیناب بخلاف
این کسی و یا راهی قرار داده آزاد گشت آنرا بلکه هم آن کس را که با اعتقاد از و مستمع
آن کسب و راه باشد به دروغ و ناراستی و کج فهمی و بی حقیقتی منسوب باید کرد و مکاسبی
که بر شمردم مقرون به صدق و نفس الامر پنداشته در اقدام بران فرصت را غنیمت
دانسته بلا اهمال و تلون مشغول آن باید بود که تا بتوسل همین اشغال از مجازی به حقیقت
برده و از صورت به معنی رفته این اقوال و افعال را از قابل و فاعل حقیقی متعلق نموده
بشرف ادراک ماکه از نهانخانهٔ بیچونی بر آمده در محفل چون و چرا جلوه فرموده ایم مسرور

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

دسترس توان شد و باز ما چگونه باشیم که آنبده یعنی خرد بالاتریم چراکه ما حافظ خردمندی یعنی درایم
و از من یعنی نفس پس بعیدیم چراکه موهوم او بایم هیچ متعنف نمیشویم و از پنج پران یعنی قوای خمسه که
تفصیل آن بالا در ذکر آمده منزه و مبرا ایم چراکه هر قوتی از آن قوای بقوت نفس فاعل فعل خاص
خود میتوانند شد پس هر گاه نفس را از حد کنه ما راه نباشد قوای خمسه که هر یکی پیوسته او تصرف
و فعلی داشته باشد چگونه پی بحقیقت ما توانند برد و از دیهه یعنی بدن عنصری صفا و بقا و
مبرا ایم از سبب آنکه بدن مقید اشرار طبیعت و مجمع کثافات و کدورات است و ما که مطلق
شریف و لطیف باشیم پس گرد بدن بر دامن مقدس ما نمیتواند نشست و با اینهمه عظمت
و جلال هر که او با اعتقاد واثق و حضور باطن با ذات ظاهر مکاسب گیان یعنی معرفت ما بموجب
سمرت و شاستر یعنی شرع و حکمت و اجتناب اضداد آن بمقتضای او هم گواهی که در بید
هدایت فرموده ایم بلا شائبه غرضی دیگر بتقدیم رسانیده بمواظبت آن شواغل حمیده خود بی خود
را پاک پرداز و خرد او قدرت ماست و نفس او صنعت ما و قوای او اثر صنعت ما و بدن
او ظهور ما چون هر چه از وبود از ما شد آن لی او غرق ما گردیده بکمال استقلال بدرجهٔ
علم الیقین رسد و بوسیلهٔ آن علم الیقین ما را چتین لکهن یعنی علم مطلق داند که در زمان
ماضی و حال و مستقبل هر چه در تر لوکی یعنی هر عالم که فوق و وسط و تحت باشد گذشته و میگذرد و
میخواهد گذشت بعلم قدیم به بهترین وجهی بی کم و کاست معلوم ماست و باز چگونه مطلقم که حقیقت
حقائق اقسام اشیا و انواع موجودات ایم و پیش ازین بودیم و حالا هستیم بعد ازین خواهیم بود
بسبب آنکه نیت بیارتهه یعنی واجب الوجودم پرم نرمل ذات سوده یعنی بنهایت صاف و پاک ام
باید که طالب ما بتوسط همین معرفت باثبات خرد پیوند عبودیت را محکم دارد هر کس که ما را چنین خواهد
دانست خواهد دانست که کمال معرفت تا اینجاست و بعد ازین هر عارف عابد را گیهان یعنی حالتی که
نتیجهٔ آن معرفت است دست میدهد آنرا انگوش نیوش لشنود و شعار خود سازد و آن حالت اینست
که چون طالب صادق آئینهٔ خاطر را از زنگ خواطر و غبار اوهام بصیقل معرفت صاف میسازد دیده

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

ذات وصفات مادران پرتوی می اندازد یعنی هرچه بچشم یکسان بین و بضمیر وحدت آئین خود می بیند و میداند
همه را جلوه های ذاتی وصفاتی ما یعقل میکند. ما را چیتین گهن یعنی علیم مطلق وانند گهن یعنی سرور محض
و اتیاستی یعنی لایزال از خرد و غیر آن که سی و ستاجزای وجود ست و پیش ازین تفصیل گفته شده
منزه و از نقص و کمال مبرا و قائم بذات خویش و از عالم ماویات و بجز ذات قدیم و از احاطه کون و مکان
بیرون و از تفکر و یقین خارج و یگانه بلا شائبه دوگانگی بل دوئی سوز وحق برحق و علم پیکر بلکه
بر علم هم سالق و متوحد علم میداند و تحصیل چنین اوصاف جسمانی وجلالی ما را چه میداند که با این همه
بی همه بلا یقین ست و خود بخود خداست و عالم الغیب والشهادت و بر وی هیچ پوشیده و پنهان
نیست و هرگاه بذریعه یقین صادق و صفا باطن بدین درجه رسید آنرا گیان یعنی معرفت و
بگیان یعنی حالتی که نتیجه آن معرفت ست حاصل آید و تخم جهان بگیان از مشاهده جمال بیکران
متمتع گردیده موصول به سرور جاودانی گشت چراکه بدیده چشمی دیدن آن جمال بر و محال بل
مشکل تر ست از سبب آنکه هرگز محسوس خواهش نشده و نمیشود و نخواهد بود و از زبان هرکس که بر
چنین حقیقت اطلاع حاصل آید آنرا مرشد کامل باید پنداشت و ماجرائی که درین معرفت نامه
بتقریر آمده برای مزید احتیاط بتکرار گفته می آید آگاه باش که آتما برهم یعنی حضرت وجود لا محدود
که از شرک و شبهه مایا یعنی قدرت کثرت مقدس و از اودیا یعنی عظمت که صفتی از صفات قدرت
ست مبرا و از شائبه خصوصیت نفس منزه و از عالم محسوس که مخلوق قدرت ست فارغ و پاک بلکه
چگونه لا محدود ست که هرگاه قدرت با کثرت و غفلت و نفوس و عالم محسوس در پرده عدم میکشد
مرجع و معاد بل حادث و ماضی همه وان قدیمی و واجب الوجودی که بچنین اوصاف عظمت و
جلال موصوف ست ای لچھمن باید که از خود بخود آمده تعقل نمائی که آن قائم والحال کیفیت
عدم بشنو که عدم چه چیز ست هر متنفسی که بدون ذکر و فکر یا بخواطر دیگری پردازد و یا به شغلی دیگر
مشغول میگردد آنرا دران وقت معدوم باید پنداشت ای حالی نژاد لچھمن درین باب آنچه
در ذکر آمده بر تو گفته شده و ماهیت مکت موربث وی یعنی سعادت محض پایان آن همین ست

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

مرام الکان اول گیان یعنی معرفت دوم بگیان یعنی حالت سوم بیراگ یعنی ترک از غیر مطلوب
چہارم مالکم آتما برمہ یعنے حضرت وجود لامحدود ودوم حقیقت جلال وجمال خود نیز بشرح
داده ام لیکن ثمرهٔ این فضائل که بر شمرده ام وقتی دست دهد که از اعمال
واشغال بیریم بھکت یعنے حب العبادت دقیقه از دقائق مہمل ومعطل نماند
بلکه انہمہ بجد شیفتگی وحدے بسر که غرضی دیگر در نظر نباشد تا بوسیلهٔ
این فعل جمیله وشغل جزیله در اندک فرصت وکمتر روزگار شمهٔ وتسکینی
وحظی وتمکینی ازمعرفت وحالت وترک وادراک وحقیقت وارلی از
کمال سعادت کرام مطالب ونتیجهٔ امور مذکور ست وحصول این لذت
درعدم ویا قصور صدور آن امور محال ومتعذر حال آمد بیر مثالے
که هرچند دیدن اشکال ودر بودن موقوف بوجود چشم ست فاما چشم
را نیز تا شناخت واستمداد نور ونار یعنے کواکب ویا چراغ وهرچه
از روشنی آتش بدان ماند احتیاج باقی ست چه اگر نور ونار درمیان
نباشد دیدن الوان وصور مختلفه که فعل خاص چشم ست در تعطیل وتوقف
افتد پس همچنین معرفت وغیر آن که در صدر بیان شده بمنزلهٔ چشم
ست وعشق وعبادت بامشابه نور ونار چرا که بغیر از انشاد عشق وعمل
عبادت معرفت وغیر آن عبث ولاطائل بلکه گوشهٔ محنت وکلفت
وهم تحصیل کمال سعادت محال وناممکن ازینجاست که طالب سعادت هرگاه
بجا بیهٔ اعمال واشغال که درین مقام بمبالغهٔ تمام در معرض تفسیر وتقریر افتاده
متجلی میگردد ما را که حقیقت الحقائق ام چنانکه باید دانست میسه اند واکنون
طریقهٔ حصول این دولت بیزوال که تعبیر بعبادت وعشق کرده شده
لبشنو در بدل تامه جہد وسعی در اقدام بدان خود را بغفلت وعطلت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

مسپارتا لحظه بلحظه آن دولت باقی روی در تزاید نهند و آن طریقه اینست که اول
خود را در خدمت طالبان ما بتمامیت باز سپارد و سپردن تمامیت اینست یعنی با اعتقاد
باطن و بحضور ظاهر پیوسته با ایشان صحبت دارد و هرچه از کلمات مدح و تصوف ما که در
حقیقت آبحیات عبارت از آنست بر زبان پاک بیان ایشان بگذرد مستمع آن بگوش هوش
بوده ظروف دل را از آن لبالب و لبریز سازد و دیگر اکادشی و غیر آن صیام که بروفق سمرت
و پران یعنی شرح و تواریخ احوال و اعمال اسلاف که بر طبق اقوال و افعال پیمبران
و رکهیسران یعنی زاهدان و عابدان مقرر و معتبر است در نگاهداشتن تقدیم شرائط
تغافل و تکاسل نورزد و تفاوت و تجاوز از حد نکند و سوای این در هر برت یعنی ایام
الثواب که مثل رام نومی باشد و جنم اشتمی و نرسنگه چودس و باون دوادشی و غیر آن
روزی از روزهائی که هم بدان روز بدین نمط روزها که مذکور شده محض از برای
انارهٔ ظلمت و جهالت بنور هدایت فرو نشاندن غبار حیرت آب معرفت از خلوتسرای
معانی بر آمده بارگاه صورت جلوس و ظهور فرموده در یک جسمی بیک اسمی موسوم گردیده
بار عام داده ام بوجهی که در پران یعنی تواریخ مسطور و مذکور است بدعوت طالبان
با شرائط عروسی و لوازم شادی را بجا آورد و هم باتفاق آن جماعه رسمی من الرسم
پرستش و عبادت ما بشوق و اعتقاد صدق و استقلال بحضور باطن و سرور ظاهر مهمل و
معطل نگذارد و باظهار مدح ما به تعلیم و تعلم کتب تعریف و توصیف بخواندن و شنیدن نفس
و بلها و ثنای اطرای ما خود را و دیگران را خوش دارد و در عموم اوقات از دست
ببعد دست اندازی این دزدان که بارهای نقد یقین و متاع تسکین را بدزدی برده
می برند و خواهند برد با هوش و باخبر باشد کدام از آن یکی بهرم یعنی وهم و دوم کال یعنی وقت که
هر یکی از این هر دو بیک نحوی موصوف بدزدی است و دزدی هم اینست که برای حصول
غرضی و یا تحصیل مطلبی بخاطر بود مبتلا بوده بعبادت و پرستش غیری باشد آنکه

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

آتش و آب و سنگ هر چه بدان ماند مشغول بودن مخلوق قدرت ما را بجای ما پرستیدن
نقد یقین بدزدی دادن ست و همچنین وزدی وقت که هر ساعت و هر لحظه و هر نفس
که بجز عبادت و محبت و ذکر و فکر یا در پے عملے و شغلے دیگر میگذرد نفس و جسم در سرانجام
آن مضطرب و بے آرام میشود دران حالت باید دانست که وزد وقت متاع تسکین را
بدزدی چه بل بغارت میبرد و آنکه از خواب غفلت بیدار بوده بقوت عبادت و مواظبت محبت
خود را از دست درازی این هر دو وزد خلاص میدهد عبادت او اکهندت یعنی
بلا نقص و محبت او سیاونت یعنی باعفت تمام میانه بعبادت بلا نقص آنست که در هیچ گاه
بغیر مانه پردازد هر کس که به بدل عبادت وصلے فی محبت بنهایت این
مرتبه باقصاے این درجه میرسد او راگیان یعنی معرفت حقائق و بگیان
یعنی حالت عدالت و بیراگ یعنی ترک تعلقات عالم فانے بسهولیت و اسانی
دست میدهد و هرگاه به فضل شرف و سبقت این فضائل که در تحریر
و تقریر آمده خالے میگردد جیون مکت یعنی سعید نام میشود و نشانش
آنست که خود را از قید حیات که انواع غم و الم محنت و مشقت و اقسام کثافت
و کدورت حاجت و ضرورت مقرون آنحالتست بمرتبهٔ سعادت مطلق و آزادے
و وارستگی محض میرسد چرا که بر سبیل دیگران از حدوث حوادث و نوائب
و مصائب ناشکیبائی و بے صبری بحال او منصرف میگردد و چون مدت
عمر بسر میرسد او را که بر قلب بقاے بدن عنصرے و فنای مواد این
جهان فانی وقوفے حاصل باشد بالحلال بر کسب و پیشه تلهف و تاسف
را بخود راه نداده بکشاده پیشانی و خوشش غشی در گذرد و محو حقیقت حق
که لذت باقی و سرور جاودانی ست و دست سخن بداامان بیان آن نمیتواند رسید
پس ازین جهت باید که طلاب سعادت بر ترک اعمال و اشتغال دیگر همگی

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

شوق باطن و توجه ظاهر را در عبادت و محبت او مصروف دارند چرا که شرف محبت و فضل
عبادت هر محنت عابد را در هر سه اوقات که ماضی و حال و مستقبل تعبیر ازان میکنند
باعث تمتع و تنعم میباشد و در هیچ وقت موجب کراهت و ملال او نمی شود بلاتکلف
و تصدیع سبب خلاصی او از وابستگیهای این جهان فانی ناپایدار میگردد
ای لچهمن هر مقدمه که در جواب و سوال تو بضبط واضح بموقف تقریر افتاده اگر
مخاطب هم خود را از اوهام نامنتظم فراهم آورده بگوش هوش مستمع گردد و بعد
سماع این به یقین و ثابت در اقدام بران بذل جهد بکار آرد آنرا نیز از بند
زنجیر این عالم که از دیر باز بر پای دل عالمیان سخت بسته شده خلاصی و وارستگی
دست دهد ای لچهمن اکنون احتیاطی که اندرین باب بر طالب سعادت در حفظ
مراتب بیشتر لازم بل الزم ست بضرورت یاد کرده می آید باید که هر چه از اسرار
مسطور و نکات غامض بر تو گفته شده در اظهار و آشکار آن بر کسانیکه از نقد محبت
و دولت عبادت او محروم و بی نصیب باشند و در تقدیم شرائط آن مقصر و محترز
سخت و ذائقه بکار داری بلکه بگفتن این معنی لب باز نکشائی و همچنین بر خلاف آن
کسانیکه دل در محنت او بکردی سپرده و در اداء حقوق عبادت او تن در داده
ازین نقود و حمود و اجناس مسعود بهره ور و کامیاب گردیده اند خود را در خدمت
ایشان بانعام این کلمات ستوده بعرض این مقدمات پسندیده بی اختیار داری
یا آنکه سید النسته باشی که ایشان را بی آنکه گفته شود برین معنی اطلاعی و علمی حاصل است
چرا که وفور فکر اندرین مطلوب سبب ازدیاد صدق و محبت اعتقاد و عبودیت
خواهد گردید نیز هر کس که از اول این مذکور تا انتها که بسبیل سوال و جواب
اتفاق افتاده وقوفی و آگاهی حاصل آورده پیوسته مشغول مطالعه و فکر
معانی این مقدمات باشد در کمتر فرصتی و اندک روزگاری بحصول این دولت

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

دائمی که عبارت از گیان یعنی معرفت میکند مسرور و مظفر میگردد و بر مثالی که آتش
بچوب تر در میگیرد بدوم مشتعل میشود همچنین از مواظبت مطالعه که بر سنوح یقین
وصدق اعتقاد و کثرت محبت باشد سبب ترقی معرفت حقیقت الحقائق و
ازدیاد میل بملازمت محققان همه دان میگردد و الحال از ختم این مقدمات مصدر
فضل و کمالات باداء بدعاء یک اشلوک یعنی یک فرد که مشتمل ست بمضامین
وبراهین عموم کتب تصوف مفید و منافع ست در وصول الکاسب مکت یعنی
سعادت عظمی لشرح مختصر شروع میرود که تا در اول از کشف معانی آن ثانیاً از
کسب عمل بلا شائبۀ شک و شبهه بران جیون مکت یعنی سعید تمام توان شد بدرجۀ
سرور محض نجات مطلق چه در ایام حیات و چه بعد از وفات توان رسید بدان آن اشلوک
اینست که مموجه یعنی طالب در وصول مطلبی که اهم مطالب ست یعنی سعادت تمام
بحصول آن در دار دنیای فانی خوش توان زیست و هم بتوسل آن در دار عقبی باقی
به لقای جاودانی توان پیوست بهتر ازین تدبیری و خوشتر ازین فعلی نیست که پیوسته
در ملازمت و اصلان حضرت لسبنده باشد و چگونه و اصلان نبند. باشد که نظاهر
خود را لحظه در تقدیم مراسم عبودیت و عبادت و شرائط شائستگی و شائسته
کرداری معاف نداشته و باطن مترقب و منتظر بلذات بهشت و آلام دوزخ نبوده حب
حجاب خودی و جدائی را از میان برداشته آسوده صورت و آزاد معنی باشند تا از
اثر سامی صحبت و گرامی مجالست آن خود آگاهان خدا اندیش یکی از ایشان بوده
در هر چه از امور معاد و معاش توجه را بکار رواید و دانچه دیگران بکنند تمام در انجام
آن خوض توانند نمود بلا تکلفی و یقینی که کمال مطلق بکمال آن توانند رسید فاما با عتقاد
پاک میدانسته باشد که حکمت حکیم علی الاطلاق چنان اقتضای کرده است که تا قربی
بر بساط خدمت ایشان حاصل نباید تحصیل این کمالات محال و متعذر ست و هر چه هست

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

از حضور و سرور ایشان ہست و نقد سعادت درکیسۂ لطف ایشان دارند و ہر کرا میخواہند
بدست توجہ عطا میفرمایند و ہرگاہ بتصدیق القلب بجلیۂ چنین صدق حالی گردد خود را
بہیچ نشمرده در بندگی ایشان باز سپارد و این فعل حسنہ را بر افعال دیگر مقدم
داردانیست تمامی کلماتے کہ بر سبیل سوال وجواب در ارن کانڈ کہ فصلے من فصول
برھمانڈ پوران کہ آن دفتریست از دفاتر تواریخ راماین مذکور و مسطور است و چون
اختتام کلام بر ترتیب ملازمت محققان و تحریص خدمت دانایان کرده اند لہذا
بامداد سخن نگوشتہ بغرض این رباعی کہ بتصریح و تشریح مدعا وافی و کافی آمده
اختصار و اقتصار نمود با مر فاعل حقیقی خود را از تکلیف تلفظ الفاظ و تفحص اصطلاحات
نجات داده خامہ را از سر سودگی و کاغذ را از خراشیدگی آرامیدگی حاصل آورد

تمام شد رام گیتا

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri

CC-0 Shri Krishna Museum, Kurukshetra. Digitized by eGangotri